



اصل این نوشته ، مضمون برنامه یی میباشد که از طرف تلویزیون دویچه وله DW-TV در دسترس شبکه های تلویزیونی افغانستان قرار گرفته است. بدینوسیله جهت اجازه یفش آن در رسانه های دیگر، از تلویزیون دویچه وله ابراز امتنان می گردد. وطندار بنابر نیاز و اهمیت موضوع ، این مطلب را از روی نسخه یی میراید کشور اقتباس نموده است و با سپاس فراوان از تلویزیون دویچه وله DW-TV درینجا به نشر می سپارد.

برگردان و ویراستار: جیلانی لیب

گذرینه های جهان - میراث بشریت

تخت جمشید (ایران)

روزگار صحیفه یی دوهزار و پنجمصد سال پیش سرنوشت را ورق می زند و تاریخ، بزرگترین امپراطوری بشریت تا آنزمان را تجربه

میکند . بیست و هشت ملت در قلمرو یک حکمفرما، کنار هم و با حقوق شهروندی تقریباً

مشابه به یکدیگر، زندگی می نمایند. آری، شاهنشاه آنها، داریوش نامیده می شود. داریوش که

اکنون، تقویم سال پنجمصد و بیست پیش از میلاد مسیح را ثبت طومار خویش می نماید،

شاهنشاه بزرگ فارس شده است ، به مکان هم بیمانی خود با باد برمیگردد تا قصر رویایی

دوران کودکی اش را در آنجا آباد سازد، در منطقه یی که پرسپولیس **Persepolis**

یعنی شهر فارس ها اسم گذاری میشود. بعدها چون نام داریوش فراموش گردیده بود، بجای

او، یمه یا جمشید ، نخستین شهریار داستانی آریانا را یاد کردند و "تخت جمشید" ورد زبان مردم شد. بهترین مهندسان و هنرمندان با

اندیشه ها و روشهای ساختمانی گوناگون خویش، از همراهان داریوش بشمار میرفتند. این معماران و مهندسین تخت جمشید،

از کشورهای مختلف جهان گردهم آمده بودند. انگیزه های نخستین رویاهای داریوش حرمت به فرهنگ های مختلف بجای نابودی

آنهاست، و احترام به اندیشه های گوناگون بجای تحمیل ستم و زور.





تنها چنین میباید که میتوان کاخی را با طرح و ساختمان شکوهمند بدون مثالش، اعمار نمود. به آنچه که اکنون داریوش بدان نیاز دارد، فضای مناسبی است که بتواند مقام والای وی را تمثیل کند .

نمایندگانی که اغلباً برای ارجمندی و پیشکش هدایا به حکمران خویشتن چندین ماه در بین راه بودند، باید بیانگر شکوه و عظمت بیمانند اینجا، تا آخرین نقاط این امپراطوری بزرگ در بین دریای دانیوب و رود سند می گردیدند.

معماران یک تالار تاجگذاری، به پهنای ۱۱۰ متر در یکصد و ده متر را چنان طرح ریزی میکنند، که تا آنزمان کسی در جهان ندیده است: سقف تاقدار این تالار، بر بالای ستون های به ارتفاع بالاتر از بیست متر استقرار یافته بود.

چنین است که رؤیای داریوش یکبار دیگر روشنتر میشود: وی از همه کشورهای باتمدن زیر تسلط خود، یونان، بین النهرین و مصر برایش سرمشق انتخاب می نمود و بعداً از لابلای آنها نظر مخصوص و مشخص خویشتن را شکل و محتوی می بخشید.

کاخ شخصی وی در مقایسه با تصویر تالار شرفیایی اش یعنی کاخ آپادانا **Apadana**، خیلی بی تکلف آباد گردیده بود.

وطندار



بخشی از تالارهای بارگاه آپادانا با وجود شباهت به عبادتگاههای یونانیان، اماکن مقدسی برای نیایش نبوده اند؛ بلکه بایستی برای اولین بار در کره زمین، بمثابه نخستین مرکز ارتباطی یک قدرت جهانی، مورد استفاده قرار گرفته باشند.

ساختمان ایوان پانزده متری تالار هنوز به اتمام نرسیده است، که یونانیان سنگتراش به اعمار اولین ستون ها آغاز نموده اند. یونانیان دوشادوش پیشه وران فارس، که درنجاری استاد هستند، بکار خود ادامه میدهند.

آنها برای این سقف عظیم، دوصد و پنجاه تیر چوب سرو جسیم نیاز دارند، که هر یکی ده متر طول و دارای یک متر مقطع عرضی باشد. هزاران نفری که درینجا بکار مشغولند، نه بعنوان برده و غلام، بلکه بر اساس موقف و عملکرد خویش اجرت میگیرند. تخت جمشید افزون بر اینکه اقامتگاه شاهنشاه میباشد، محل نمایانگر آنقدرت وی نیز هست. همه یی تصامیم درین محل اتخاذ میگرددند و اینجا مرکز تلافی و دستور همه امور و کارروایی هاست.

داریوش مدبرِ قدرت، یک مجتمع اداری بزرگ و باستانی را طرح ریزی و ایجاد نمود که تالار صد ستون نامیده میشد. با گنجینه‌ای از اسناد، مأمورین مؤلف دولتی، از این محل رویداد های امپراطوری را بررسی مینمودند. درینجا فهرست معاش، رسید محاسبات سفر و مالیات هم در کتیبه های ناگداخته به خط میخی ثبت میگردد.



باید هزاران اسناد مشابه در دفتر اوراق و اسناد یا آرشیف شاهنشاهی هخامنشیان انبار بوده باشد تا اینکه اسکندر بزرگ در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، اسناد تخت جمشید، این مرکز امپراطوری جهانی را در زبانه های آتش فرو بُرد. تنها بخشی از این کتیبه های که در جریان آتشسوزی یونانیان گداخته شدند تا حالا باقیمانده اند.

از روی همین کتیبه هاست که ما در باره میزان معاش و سفرهای یک مارشال دربار داریوش اطلاع حاصل مینماییم و همچنان از شکل و چگونگی یک مهر خدمتی خصوصی، که با آن اسناد را در بین راه علامتگذاری و جهت محافظه به مرکز ارسال می کردند، آگاهی بدست می آوریم. ارزیابی این گنجینه اطلاعات به خط میخی، نمایانگر یک نظم دولتی شگفت انگیز مجهز در زمان داریوش می باشد. بر مبنای این اسناد، بطور مثال زن و مرد یک مزد را اخذ مینمودند. همه درباریان از لشکریان تا کودکان خردسال شامل یک شبکه خدمات اجتماعی میگرددند و برای زنان حامله و فقیران، سهمیه جداگانه بی اختصاص داده شده بود.

این کتیبه ها، معلومات مفصلی را در مورد وظیفه خزانه بزرگ تخت جمشید نیز روایت میکنند. در سال ۴۶۷ پیش از میلاد، بطور مثال در آنجا ۱۳۴۸ پیشه ور برهبری یک زن که بیشترین مزد را میگرفت، مشغول کار بودند.



درینجا برای کاخها، اثاثیه و پارچه های گرانبها تولید می شد. تکره و عاج فیل از مصر و طلا از هند و نوبه، سرزمین باستانی واقع در جنوب مصر و شمال سودان کنونی، درین محل برای تولیدات مختلف مورد استفاده قرار می گرفتند. خزانه در محوطه کاملاً محفوظ قصر، توسط ارتشیان پاسداری میگردید. مجموعاً ده هزار "سرباز جاویدان" در تخت جمشید مستقر گردیده بودند. با شکوه ترین جشن در تخت جمشید، برگزاری عید نوروز در هر سال شمرده می شد.

صف های بی پایان تبریک گویان از همه کشورهای، در تالارها و پله های قصر حضور بهم می رسانیدند. این محفل پراهمیت ترین انگیزه انتخاب موضوع برای هنرمندان، جهت تکمیل و توسعه همه تأسیسات قصر بشمار میرفت. داریوش، اما مرد جدی تری ازین بود که تخت جمشید را بمنظور آرایش صحنه نمایش تنها یک جشن آباد بنماید.

داریوش توانست با عدالت، تسامح و یک اداره مؤثر و سودمند، امپراطوری متشکل از ۲۸ ملت را با هم متحد نگه بدارد. برای فرستادگان همه ملت ها، عضویت در زمره نمایندگان گسیل داشته در تخت جمشید یک افتخار بحساب می آمد. هر فرستاده میتواند خود را در تخت جمشید از جمله یکی از پشتیبانان این امپراطوری جهانی احساس بنماید.

داریوش نتوانست، تکمیل تالار باریابی خویش، آباداناه را بچشم سر مشاهده بنماید. وی در سال ۴۸۶ پیش از میلاد ازین جهان درگذشت.

رؤیای داریوش حدود دو صد سال پایدار باقی ماند، تا اینکه دوره شاهنشاهی هخامنشیان توسط اسکندر مقدونی که پرسپولیس یا تخت جمشید را به انتقامگیری شهر آتن **Athen** با خاکستر همسان ساخت، از میان رفت.

رفقا، دوستان عزیزتارنمای **وطندار** ! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید



admin@vatandar.at

مدیر مسوول :^۲ دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز :^۲ انجینرنجیب یوسفی

کلیه حق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات جیلانی لبیب

<http://www.vatandar.at/index%20labib1>

وطندار